



16 دسمبر 2022

داکتر سید عبدالله کاظم

نگاهی مختصر به سقوط و عروج خانواده سردار یحیی خان

سلطنت محمدظاهرشاه و صدارت محمدهاشم خان

(بخش یکصد و دوم)

سکتور عامه تحت الشعاع سکتور خصوص:

با نفوذ روزافزونی که عبدالمجید خان زابلی از نظر اقتصادی و سیاسی چه به حیث رئیس و صاحب اختیار کل بانک ملی و چه به حیث وزیرپر قدرت اقتصاد ملی در دوره صدارت محمدهاشم خان داشت، سکتور خصوصی از طریق تأسیس شرکت های سهامی و کسب امتیاز انحصار بسا اقلام مهم صادراتی و وارداتی چنان تقویت گردید که حتی دولت حاضر شد بعضی تصدی های صنعتی دولتی را بالای شرکتهای خصوصی و تاجران انفرادی به قیمت های بسیار ارزان و حتی به قیمت تمام شد آنهم به اقساط سالانه بفروش برساند. طورمثال درسال 1311 "شرکت تنویرات" در کابل تأسیس شد و امورتنظیم برق را درشهرکابل بدست گرفت و دولت از دستگاههای تولید برق قوه کافی را به قیمت خیلی نازل در دسترس این شرکت قرارداد، اما ده سال بعد با تأسیس "شرکت سهامی برق" (به سرمایه 75 ملیون افغانی و قیمت هر سهم 500 افغانی و نصف اسهم آنرا دافغانستان بانک خریداری کرد)، دستگاه های تولید برق دولتی، از جمله دستگاه برق جبل السراج به مبلغ 3.5 ملیون افغانی، دستگاه های برق پغمان و جلال آباد 400 هزار افغانی، دستگاه برق قندهار و چک وردک هر یک به قیمت تمام شد، بالای این شرکت بفروش رسیدند. همچنان فابریکه بوت و چرمگری، فابریکه صابون سازی، گوگردسازی و پشمینه بافی کابل به اقساط ناچیز به یک تعداد تاجران فروخته شدند. علاوه وقتی "شرکت سهامی نساجی" با سرمایه 200 ملیون افغانی و قیمت هر سهم 100 افغانی تأسیس گردید، فابریکات نساجی پلخمری و جبل السراج به قیمت تمام شد بالای این شرکت سهامی بفروش رسیدند.

به همین ترتیب توأم با خصوصی سازی صنایع، وزارت زراعت نیز توجه خاص را به کشت لبلبو و پنبه و نیزانکشاف مواشی جهت تقویه صادرات پشم و پوست قره قل و غیره مبذول نمود که بیشتر در دست زمیندارهای بزرگ و صاحبان سرمایه قرارداداشت، و اما برای کمک با زارعان متوسط و کوچک در دیگر ساحت زراعتی کشور کمترین توجه صورت گرفت.

خلاصه اینکه از سال 1312 تا تقریباً ختم دوره صدارت محمدهاشم خان، دولت نیز متمایل بود تا قدرت اقتصادی را در ساحت تجارت، صنعت و زراعت بدست سکتور خصوصی و آنهم تحت نظر و اداره عبدالمجید خان زابلی بسپارد. گفته میشود که علاقمندی شخص صدراعظم نیز در این دوره بیشتر به امور امنیتی و استخباراتی و در عین زمان سهمین شدن در شرکتهای سهامی و نفع بردن شخصی از آنها متمرکز شده بود.

در این دوره سکتور دولتی که بیشتر متکفل امور عمرانی، سرک سازی و از همه مهمتر معارف، صحیه و مطبوعات بود، بدوش دومعاون صدارت هر یک سردار محمدنعیم خان (ضمناً وزیر معارف) و نایب سالار عبدالرحیم خان صافی (وزیر فواید عامه) قرارداداشت؛ امور نظامی را سپهسالار شاه محمودخان،

د پانو شمیره: له 1 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

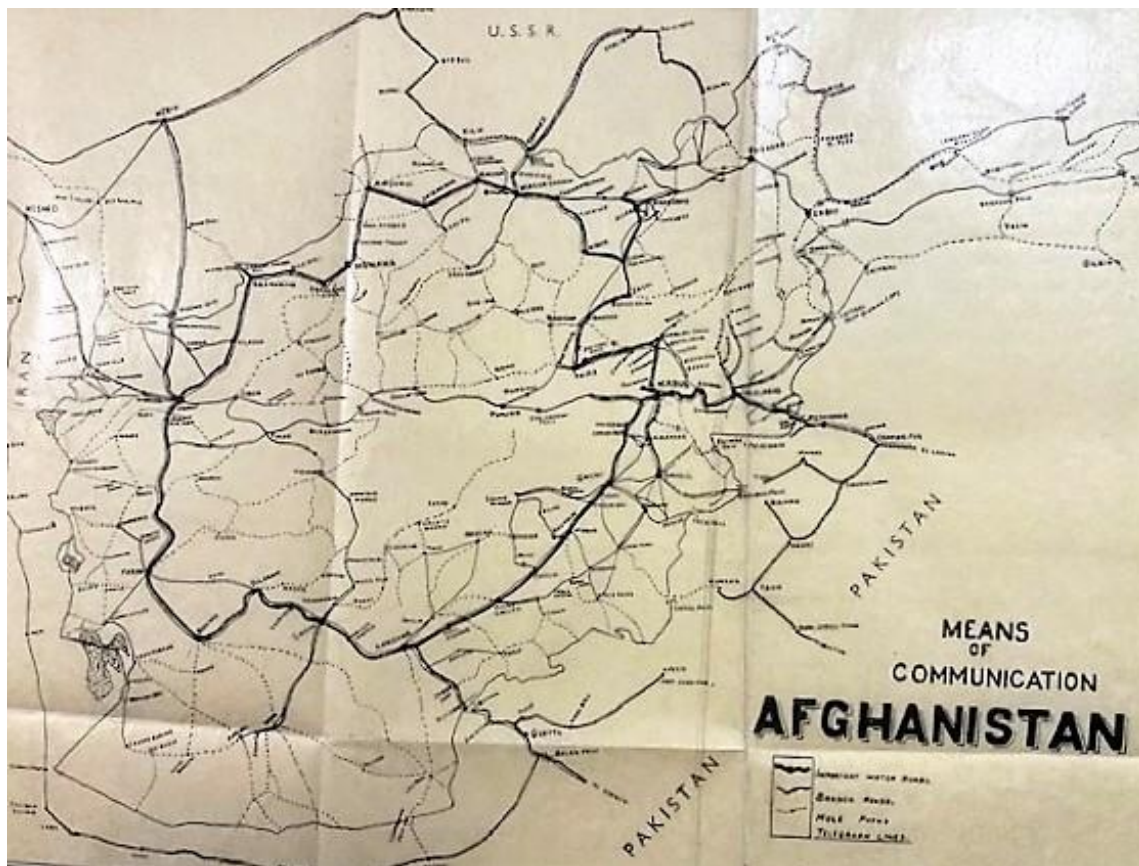
امور روابط خارجی را فیض محمدخان زکریا و علی محمدخان و امور داخلی را محمدگل خان مومند به حیث وزیر داخله پر قدرت بعهدہ داشتند که برطبق ہدایات صدراعظم عمل میکردند. در این مبحث کوشش میشود نگاهی مختصر بہ انکشاف امور عامہ و سکتور دولتی کہ در حیات روزمرہ مردم نقش اساسی دارند از جملہ سرکسازی، معارف، صحیہ و مطبوعات در این دورہ انداخت.

باید خاطر نشان کرد کہ متأسفانہ کمترین نشرات دربارہ اوضاع اقتصادی کشور قبل از سالہای 1325 ش (1946) در دست است، بہ جز بعضی ارقام در مورد تجارت خارجی (واردات و صادرات)، عواید و مصارف دولت (در حدود بودجہ سالانہ)، معاملات پولی و بانکی و بعضی ارقام در بارہ تولیدات یک تعداد محدود فابریکات و دستگاہ ہای صنعتی جدید التأسیس کشور کہ در آنوقت بطور بسیار فشرده و مختصر در سالنامہ ہای 1311 تا 1325 ضمن گزارش امور کاری بعضی از وزارتہا و ریاست ہای مستقل بہ نشر رسیدہ اند. بر علاوہ دو کتاب کوچک بہ زبان انگلیسی در سال 1947 (1326) در مورد تجارت افغانستان چاپ شدہ اند: یکی تحت عنوان (Trade with Afghanistan) "تجارت با افغانستان" تألیف اس. ام. شاہ (S.M. Shah) کہ در 103 صفحہ در ماہ اکتوبر 1946 در لاہور (آنوقت ہند برتانوی) بہ چاپ رسیدہ است و کتاب دیگر کہ توسط محمد علی (پروفیسور) تحت عنوان "فعالیت تجارتی افغانستان" (Commercial Afghanistan) در 71 صفحہ در سال 1946 در دہلی طبع شدہ و بیشتر بہ شرح و بسط تولیدات صادراتی افغانستان بخصوص تولیدات زراعتی با ذکر ارقام و اعداد پرداختہ است. این دو کتاب در پهلوی سالنامہ ہای کابل عمدہ ترین مآخذ این مبحث را تشکیل میدہند.

امور ترانسپورت (حمل و نقل): توأم با ورود موتر در افغانستان در عصر امیرحبیب اللہ خان سراج موضوع احداث سرکها ہای نیز قدم بقدم آغاز گردید و سرک کابل تا تورخم از طریق کوتل لٹہ بند سرک کابل تا جبل السراج مورد بہرہ برداری قرار گرفت. همچنان در دورہ سلطنت شاہ امان اللہ سرک کابل تا ہرات تا سرحد ایران و نیز سرک تا مزار شریف و قندوز از راہ کوتل شبر قسماً تمدید یافت، مگر مشکلاتی در ساحہ تنگی تاشقرغان وجود داشت و بہ همین ترتیب کار پروژہ سرک کابل جلال آباد از طریق درہ "تنگ غارو" رویدست گرفته شدہ بود، اما تلاقی سرک از دوطرف در حصہ "تنگی ابریشم" پابرجا بود کہ اغتشاش سقوی رخ داد و فرصت اکمال آن میسر نگردید. در دورہ محمدنادرشاہ با زحمت زیاد کوشیدہ شد تا دو مقطع نامکمل اتصال سرک: یکی در سرک کابل پلخمیری را در تنگی تاشقرغان در محل "درہ شکاری" و دیگر در سرک "تنگ غارو" مسمی بہ "تنگی ابریشم" را بروی ترافیک باز نمایند و بدانوسیله مانع عمدہ عبور و مرور ترافیک موتری را از میان بردارند. همچنان در آغاز دورہ پادشاہی محمدظاہر شاہ و دورہ صدارت محمدہاشم خان سرک حلقوی کشور با ہم وصل گردید، با آنکہ ساحہ میمنہ و ہرات نسبت موجودیت کوتلها و شرایط اقلیمی چندان مورد استفادہ تجارتی قرار نداشت. بہ استثنای سرکهای حلقوی کہ آنہم بیشتر بطور خامہ و توأم با مشکلات زیاد بود، باقی نقاط کشور اکثراً برای استفادہ از موتر مساعد نبودہ و انتقالات بطور عنعنوی بوسیلہ حیوانات بارکش (شتر، قاطر، اسب و الاغ) از طریق شوارع مسمی بہ "راہ ہای کاروانی" انجام میگردد کہ شہرہای بزرگ را با شہرہای کوچک و دہات و قصبات وصل میکرد و اکثر در ایام زمستان مسدود و مردم را با مشکلات زیاد مواجہ می ساخت.

چون بیشترین روابط تجارتی افغانستان با ہندبرتانوی بود، بیشترین انتقالات اموال تجارتی (واردات و صادرات) از ہند و یا بطور ترانزیت از دیگر کشورها از طریق قندہار بہ کویتہ و از طریق جلال آباد بہ پشاور صورت میگرفت. همچنان از ہرات بہ مشہد (ایران) از طریق بندر "اسلام قلعہ" و از ہرات بہ

"مرو" (شوروی) از طریق بندر "کشکی" و از مزار شریف به دو بندر "کلف" و "ترمز" بصوب بخارا و سمرقند به شوروی مرادوات تجارتي برقرار میگردد.



(این نقشه از کتاب Trade with Afghanistan، تألیف S.M.Shah چاپ 1947 گرفته شده است)

برای فراهم آوری تسهیلات تجارتي، بانک ملی افغان در آن دو شهر مهم یعنی هریک کویته و پشاور نمایندگی داشت که به امور اداری، گدام داری و انتقال اموال توسط شرکت های ترانسپورت انفرادی می پرداخت و نیز امور انتقال مال التجاره وارداتی را از خارج به داخل کشور اجراء میکرد. در عین زمان حکومت افغانستان نیز یک شرکت را بنام "شرکت حمل و نقل" ایجاد کرده بود که مرکز آن در کابل و شعب آن در بعضی جاها به شمول پشاور فعال بودند، اما تجار بیشتر از وسایل انفرادی به دلیل سهولت در دسترسی و ارزان بودن کرایه بوسیله "دلال ها" استفاده میکردند.

بطور عموم فاصله تقریباً 200 میل بین پشاور و کابل را در آنوقت نسبت خرابی سرکهای خامه در ظرف دو نیم تا سه روز (نظر به شرایط اقلیمی) طی میکردند و فاصله 70 میل بین چمن و قندهار 24 ساعت را در برمیگرفت. غزنی که در 90 میلی کابل و در راه قندهار قرار دارد، یکی از مراکز مهم تجارتي محسوب می شد و کرایه مال التجاره به اساس فی سیر کابل (معادل تقریباً 7 کیلوگرام) از کابل تا غزنی 50 پول تا یک افغانی فی سیر بود. طی کردن فاصله 225 میل از غزنی تا قندهار دو روز بطول میکشید و قیمت فی سیر مال التجاره از غزنی تا قندهار به 1.50 تا 2 افغانی میرسید. ترانسپورت در صفحات شمال به طرف مزار شریف نیز از طریق کوتل "شبر" تقریباً دو روز را در

د پانو شمیره: له 3 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

برمیگرفت، طوریکه درایبیک (سمنگان) شاخه سمت قندز، خان آباد، نالقان و فیض آباد جدا می شد. فاصله کابل - مزارشریف 390 میل و از ایبیک تا فیض آباد 130 میل بود که قیمت انتقال مال التجاره از قرارفی سیر به مبلغ 3 تا 4 افغانی بالغ می شد. آنچه، اندخوی، میمنه، شبرغان و بلخ مراکز عمده تجارتي بودند و فاصله بسیار دشوار گذار بین مزارشریف و هرات تقریباً 510 میل بود که برای انتقال مواد از هرات به مزارشریف نسبت موجودیت کوتلها و دشواری راه ها کمتر مورد استفاده قرار میگرفت. هرات بیشتر از طریق فراه و قندهار با فاصله 410 میل به کابل و همچنان از طریق قندهار - سپین بولدک با چمن در هند برتانوی وصل میگردد. راه کابل جلال آباد و پشاور از طریق کوتل "لته بند" تقریباً یک و نیم روز را احتوا میکرد و راه "تنگی ابریشم" (مشهور به تنگ غارو) برای عبور و مرور لاریها استفاده نمی شد.

عمده ترین وسیله ترانسپورت شخصی را در شهر در آنوقت گادی و بایسکل تشکیل میداد، از تاکسی و بس های شهری خبری نبود، زیرا اکثریت مردم در ساحات قدیمی شهر و در بین کوچه تنگ و سرکهای کم عرض زندگی میکردند. تعداد موتورها و تیزرفتار در شهر بسیار کم و اغلب در اختیار مامورین عالیرتبه دولت و بعضی سرمایه داران و تاجران بزرگ قرار داشت.

یگانه وسیله انتقال مسافری از کابل به سمت های مختلف کشور از طریق بس های وزارت مخابرات صورت میگرفت که در عین زمان وظیفه خدمات پستی (پوسته) را نیز انجام میداد، با این شرح که بس در هر سمت یک روز میرفت و روز دیگر برگشت میکرد: از کابل تا پشاور، - از کابل تا قندهار، - از قندهار تا چمن، - از کابل تا مزارشریف (سه بار در هفته)؛ - از قندهار تا هرات، - از هرات تا اسلام قلعه، - از کابل تا گردیز (دو بار در هفته)؛ از جلال آباد تا اسمار، - از مزارشریف تا میمنه، - از کابل تا خان آباد (یک بار در هفته). (کتاب: "فعالیت تجارتي افغانستان"، تألیف محمد علی، صفحه 49 - 50)

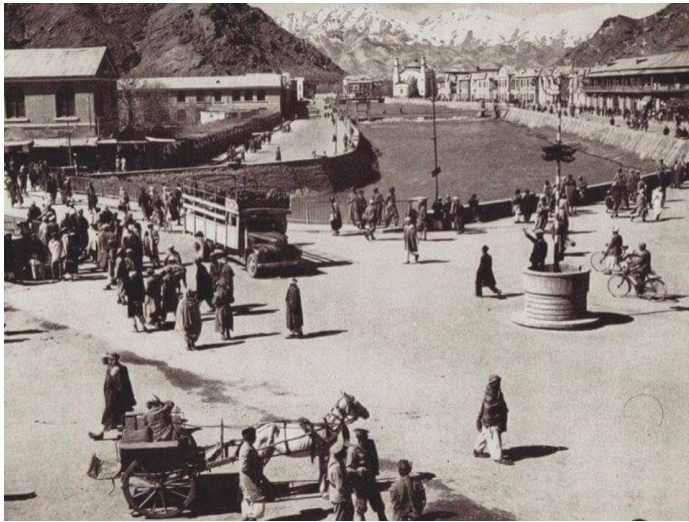
بیمورد نخواهد بود، اگر گفته شود که طی 13 سال صدارت محمدهاشم خان از 1312 تا 1325 در ساحه شهر کابل فقط دوطرف سرک به فاصله تقریباً یک و نیم میل آنهم از پل شاه دوشمشیره در امتداد پل باغ عمومی (جاده تیمورشاهی) و از آنجا تا دروازه غربی ارگ (سینمای کابل آنوقت) مسمی به جاده شاهی قیر شده بود و این فاصله یگانه محل قیر ریزی شده در تمام افغانستان بود. در وسط سرک دوطرفه جاده شاهی یک نهرجریان داشت و در اطراف آن پیاده رو و چندین دکان واقع بود. در چهار راهی سینمای کابل در اطراف مقبره امیر عبدالرحمن خان چند عمارت جدید ساخته شدند که به وزارت معارف تعلق گرفتند و مقبره امیر در بین آن از دید عامه بدور ماند. در سمت مقابل آن، عمارت جدید دیگر بنام "هوتل کابل" بنا یافت و در مقابل آن چسپیده با ارگ عمارت بزرگ و جدید بانک ملی و دافغانستان بانک ساخته شد. همچنان از پل باغ عمومی تا پل شاه دوشمشیره در دوطرف دریای کابل یک تعداد ساختمانی بهم چسپیده در دومانزل اعمار گردیدند که منزل پایان آن برای دکانها و منزل بالای آن بیشتر برای دفاتر تجارخانه ها و شرکتها استفاده می شدند. در جوار پل باغ عمومی سه عمارت دولتی ساخته شدند: یکی مکتب صنایع نفیسه که بعدها به لیسه حبیبیه واگذار گردید که با اعمار آن، مقبره تیمورشاه درانی بحالت متروک و دور از نظر عامه قرار گرفت، دیگر استیشن نشراتی رادیو کابل و در جوار آن عمارت دومنزله که بعداً به وزارت مخابرات تعلق گرفت. در چهارراه متصل به پل باغ عمومی آنطرف دریا شفاخانه مرکزی و کلنیک دندان ساخته شد و با این ترتیب پل باغ عمومی به یک مرکز مهم رفت و آمد شهری تبدیل گردید. به همین ترتیب در ادامه دریای کابل دوطرف سرک تا پل خشتی و مسجد جامع آن که شروع بازار قدیمی "سرچوک" بود، عمارات دومنزله ساخته شدند که در منزل اول دکانها و در منزل دوم دفاتر انفرادی و تجارخانه ها جا داشتند. همچنان

د پانو شمیره: له 4 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولۍ

درحاشیه چمن حضوری درجوارمسجد عیدگاه دکانها در دو منزل اعمار گردیدند. اینها تقریباً چهره جدید شهرکابل را طی صدارت محمدهاشم خان به نمایش می گذاشتند.



(پل باغ عمومی به حیث مرکز شهر در سالهای 1320 ش)

ساحات رهایشی شهرکابل در آنوقت بیشتر در محدوده شهر قدیم در جنوب دریای کابل بین چنداول و بالاحصار در دامنه کوه شیردروازه و بطرف شمال دریا در دامنه کوه آسمائی (ده افغانان) و کمی فراتر از حواشی ارگ شاهی قرار داشتند که همه دارای ساختمانها "گلی" و اکثراً بطور چسبیده از طریق سرک های کج و پیچ و کوچه های تنگ و باریک بهم وصل می شدند. نفوس تمام کشور در آنوقت به 7 میلیون و نفوس شهرکابل

در حدود 200 هزار نفر تخمین میگردید. شهر و سرکها از طرف شب همه تاریک بودند، البته به استثنای نور کم رنگ چراغ از دورن خانه های نشیمن و بعضی دکانها در ساحه جدید مرکز شهر به نظر میرسید. مردم بعد شام کمتر از خانه بیرون می شدند و در تاریکی شب بیرون از منزل از "اریکین" استفاده میکردند. نحوه زندگی مردم در سایر شهرهای بزرگ و کوچک و دهات بطور عنعنوی مثل قرنهای قبل بود، البته به کمی استثناء که شرح آن در اینجا نمی گنجد.

خدمات مخابراتی و پستی (پوسته): در تمام افغانستان خدمات پستی تا حدود شهرهای بزرگ مثل انتقالات مال التجاره بوسیله لاریها و بس های مربوط وزارت مخابرات و از آنجا به بعد توسط حیوانات بارکش صورت می گرفت که با وجود طول مدت، اما بالاخره به آدرس مرسل الیه میرسید. خدمات پستی به خارج بیشتر از طریق شعب وزارت مخابرات در پشاور و چمن بوسیله موتر و از آنجا به بعد ذریعه ریل بوسیله خدمات پستی هند برتانوی در داخل هند و از همین طریق به سایر کشورها و برعکس انجام می شد. نرخ پوسته (پاکت 20 گرام) به خارج مبلغ یک افغانی و 25 پول و در داخل فقط 25 پول بود.

کابل از طریق تلیفون و تلگراف با سایر شهرهای بزرگ کشور بطور غیرمستقیم وصل بود یعنی از شبکه های فرعی استفاده می شد و چندین شبکه فرعی یکی با دیگر وصل میگردید تا پیامی بطرف مقابل برسد. تنها در کابل، قندهار و جلال آباد سیستم تلیفون مستقیم موجود بود. در امور تجاری و دولتی بیشتر از تلگراف در داخل و خارج کشور استفاده میگردید. سیستم تلگراف افغانستان در شروع با شعب تلگراف هند برتانوی ارتباط داشت، اما قبل از جنگ جهانی دوم ارتباط تلگرافی مستقیم افغانستان با کشورهای جرمنی، جاپان و ایران برقرار گردیده بود که بعد از جنگ ارتباط تلگرافی با ایالات متحده، برتانیه، ایران و روسیه نیز تمدید گردید.

مطبوعات و رادیو: بعد از دوره شاه امان الله که دروازه مطبوعات آزاد باراول بروی مردم بازگردید، از آن به بعد افغانستان تا سالهای متمادی از این نعمت محروم ماند، تا آنکه در دوره صدارت شاه محمود این دریچه برای مدت کوتاه باز شد و جراید آزاد از جمله "انگار"، "ندای خلق" و "وطن" به

د پانو شمیره: له 5 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

نشرات آغاز کردند، اما اینکار دوام نکرد و سپس این دریاچه برای بیش از یک دهه دیگر بسته شد. طی دورهٔ صدارت محمدهاشم خان در سال 1318 ش (1939) ریاست مستقل مطبوعات تأسیس گردید و علامه صلاح الدین سلجوقی بر ریاست آن گماشته و امور فرهنگی و مطبوعاتی حکومت به آن ریاست سپرده شد که رادیو کابل، آژانس خبری باختر، پشتو تولنه، انجمن تاریخ، مطبوعه دولتی و موزیم شامل تشکیلات آن ریاست گردید.

امین الله دریغ مؤلف کتاب "افغانستان در قرن بیستم" دربارهٔ شیوه فعالیت مطبوعات در این دوره می نویسد: «محمدهاشم خان که شخص مستبدی بود، توجه جدی خود را به روابط بین المللی و حفظ سکوت کشور و هم تسلط اداری سلطنت معطوف داشت. وی از آزادی بیان سخت می ترسید و هرگز نگذاشت تا در زمان صدارتش مطبوعات سر برافرازد. در این دوره تنها جراید و روزنامه های دولتی چون اصلاح و انیس در کابل و جراید رسمی در ولایات که بیانگر اهداف دولت بودند، نشر می شدند و بیشترین کار مطبوعات نشر ابلاغیه ها و فرامین دولت بود.... در چنین شرایط مطبوعات زیر سانسور و مراقبت شدید دولتی قرار داشت و کسی را یارای تحرک و ابتکار عمل در مطبوعات نبود. محمدهاشم خان صدراعظم توانست از این فضای آمرانه در تأمین حاکمیت سرتاسری در کشور استفاده نماید و از طریق تشدد باعث تحکیم پایه های قدرت سلطنتی در افغانستان گردید. اما در اذهان عامه این رکود و انجماد فکری حالتی را بمیان آورده بود که مردم و حتی اعضای خانواده سلطنتی نیز به ستوه آمده خواهان ریفورم و دگرگونی سیاسی - اجتماعی در ساختار حکومت گردیدند.» (دریغ، امین الله: "افغانستان در قرن بیستم"، پشاور، 1379، صفحه 250 - 251)

بر علاوه نشر روزنامه انیس و اصلاح به حیث اورگانهای نشراتی دولتی و بعضی مجلات اختصاصی در کابل، چند روزنامه و هفته نامه در مراکز ولایات نیز به نشر میرسیدند، از جمله اتفاق اسلام، طلوع افغان، اتحاد قطغن، اتحاد مشرقی و بعضی دیگر. همچنان مجله اقتصاد از طرف وزارت اقتصاد، مجله اردو از طرف وزارت حربیه، مجله آریانا از طرف انجمن تاریخ، مجله کابل (به زبان پشتو) از طرف انجمن ادبی، مجله حقوق از طرف فاکولته حقوق، روغتیا از طرف وزارت صحیه و مجله پشتون ژغ از طرف وزارت مطبوعات و بعضی دیگر. (عکس ذیل: منظری از سینمای کابل)



در آنوقت افغانستان فقط یک دستگاه فرستنده رادیویی داشت و بنام "کابل رادیو" نامیده می شد که مرکز نشراتی آن در جوار پل باغ عمومی قرار داشت و روزانه خدمات خود را روی موج 445.1 متر از ساعت 6 تا 10 شب یعنی چهار ساعت در تابستان و از 6 تا 8 شب - دو ساعت در زمستان به زبانهای دری و پشتو بطور زنده پخش میکرد. بروزهای چهارشنبه برنامه به زبان هندی و بروز جمعه از ساعت 8 تا 10 صبح نیز برنامه خاص پخش میگردید. در آنوقت فقط یک سینما در کابل بنام "سینمای کابل" وجود داشت که عمارت اصلی آن در وقت امیر عبدالرحمن خان بنام "سلامخانه خاص" یاد می شد و اما بعد از دوبار حریق در دوره های بعدی، آن عمارت بالاخره به شکل سینما

د پانو شمیره: له 6 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

درآورده شد. همچنان یک محل دیگر برای نمایش تیاتر و تدویر بعضی کنفرانسها ساخته شد که بعدها بنام "پوهنی ننداری" مسمی گردید و درجوار لیسه استقلال و دیوار غربی ارگ موقعیت داشت.

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 7 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولئ